فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ
پس گرفت شما را آن حالت هلاک کننده وحال آنکه نگران بودید پس زنده کردانیدیم شما را از پس مردن شما

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ
تا مگر شما سپاس داری کنید وسایه بان ساختیم بر شما ابر را وفرو فرستادیم بر شما

الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا
ترنجبین را وسمانه را وگفتیم بخورید از حلالها آنچه روزی دادیم شما را وستم نکردند ما را نگران آن نفس ولیکن بودند

أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ
بر خویشتن ستم میکردند وچون گفتیم ما در روید در این دیه بیت المقدس بخورید از منافع آن هر جا

شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ
خواهید خوردنی خوش ودر آیید از دروازه سجده کنان وبگویید خداوندا گناهان ما را تا بیامرزیم برای شما گناهان شما را

وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى
وزود بود که نیکوکاران را بیفزاییم پس بدل کردند آنانکه ستم کردند سخنی را جز آنکه گفته شد مر ایشان را

الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ وَإِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ
آنانکه ستم کردند عذابی را از سوی آسمان بسبب آنکه بودند که بیرون می آمدند وچون آب خواست موسی برای گروه خود

فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ
پس گفتیم بزن بآن عصای تو سنگ را پس روان شد از آن سنگ دوازده چشمه تحقیق دانست هر مردی چند

أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ
آبشخور ایشان را وگفتیم بخورید وبیاشامید از روزی خدای وتباهی مکنید در زمین تباهی کنندگان

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا
وچون گفتید شما ای موسی هرگز صبر نکنیم بر خوردنی یگانه پس بخواه برای ما پروردگار ترا تا بدر آورد برای ما از آنچه

تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ
رویاند زمین از تره آن وخیار آن وسیر آن وعدس آن وپیاز آن گفت موسی ای بدل میکنید

الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ
آنرا که فروتر است بجای آنکه آن بهتر است فرود آیید شهر مصر که بدرستی شما راست آنچه خواستید ولازم کردانیده شد

عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ
بر ایشان خواری وبیچارگی وسزاوار گشتند بارادت انتقامی از خدای آنخواری بسبب آنکه ایشان بودند که نمی کردیدند

بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ
بآیتهای خدای ومیکشتند پیمبران را بناحق آنچه گفتیم بدانکه نافرمانی کردند وبودند که از حد درمی گذشتند

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ
بدرستی آنانکه گرویدند وآنانکه جهود شدند وترسایان وجمعی دیگر هم از آشنایان پرستنده ملایکه یا کواکب هر که ایمان آرد بخدای

الْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا
در روز بازپسین وکند کار نیکو پس مر ایشان راست ثواب ایشان نزد پروردگار ایشان وهیچ ترسی نیست بر ایشان ونه

يَحْزَنُونَ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ
اندوه کن شوند وچون گرفتیم ما عهد شما را وبرافراشتیم بر بالای شما کوه طور را وگفتیم فراگیرید آنچه دادیم شما را از کتاب

بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا
بجدی و یاد دارید آن احکام را تا مگر شما پرهیزکار باشید پس اعراض کردید شما پس از آن عهد و پس اگر نه

فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ
عنایت خدای بودی بر شما بقبول توبه ومهربانی او هر آینه می بودید از زیانکاران وتحقیق دانستید شما آنانرا

اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا
که از حد تجاوز نمودند از شما در کار شنبه گردن پس گفتیم ما ایشانرا باشید بوزینگان رندگان از رحمت از حالت یا عقوبتی که محل اعتبار بود

لِمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ
مر آنرا که پیش از او بود وآنرا که از پس او بود وپندی مر پرهیزکارانرا وچون گفت موسی مر گروه خود را بدرستی که خدای

يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَا
فرماید شما را تا بکشید یکی از جنس گفتند ای میگیری ما را محل افسوس گفت پناه میگیرم بخدای که باشم از جاهلان

قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما هي قال انه يقول انها بقرة لا فارض ولا
گفتند بخوان برای ما پروردگار ترا تا بیان کند برای ما تا حقیقت آن گفت بدرستی که او میگوید بدرستی آن گاویست نه پیر و نه
بقره صفت
بكر عوان بين ذلك فافعلوا ما تؤمرون قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما
جوان میانه آن دو سن پس بکنید آنچه میفرماید شما را بان گفتند بخوان برای ما پروردگار ترا تا بیان کند برای ما تا حقیقت
لونها قال انه يقول انها بقرة صفراء فاقع لونها تسر الناظرين قالوا ادع لنا
رنگ آن گفت بدرستی که او میگوید که آن گاویست زرد زردی خالص است شاد میگرداند نگرندگان را گفتند بخوان برای ما
رنگ آن بقره
ربك يبين لنا ما هي ان البقر تشابه علينا وانا ان شاء الله لمهتدون
پروردگار ترا تا بیان کند برای ما حقیقت آن بقره چه این جنس مشتبه است بر ما بدرستی که ما اگر خواسته باشد خدای هر آینه راه یافتگانیم
قال انه يقول انها بقرة لا ذلول تثير الارض ولا تسقي الحرث مسلمة لا
گفت بدرستی که او میگوید بدرستی که آن گاویست نه رام کرده که بکار آرد زمین را و نه آنکه آب دهد کشت را از عیوب پاک است هیچ
شية فيها قالوا الان جئت بالحق فذبحوها وما كادوا يفعلون واذ
نوعی نشان زردی نیست در آن گفتند اکنون آوردی بیان درست را پس کشتند آنرا و نمی خواستند که کنند آن کار را و چون
عشر
قتلتم نفسا فادارأتم فيها والله مخرج ما كنتم تكتمون فقلنا
کشتید شما یکی تن را پس مخاصمت نمودید و خدای ظاهر کننده بود آنرا که بودید که پنهان میداشتید پس گفتیم ما
در کار آن
اضربوه ببعضها كذلك يحيي الله الموتى ويريكم آياته لعلكم تعقلون
بزنید آن شخص را بعضی از آن همچنان زنده گرداند خدای مردگان را و می نماید شما را نشانهای خود را تا شما تعقل کنید
ثم قست قلوبكم من بعد ذلك فهي كالحجارة او اشد قسوة وان من الحجارة
پس سخت شد دلهای شما از پس آن احیا پس آن دلها مانند سنگهاست یا سخت تر سختی و بدرستی از سنگهاست
لما يتفجر منه الانهار وان منها لما يشقق فيخرج منه الماء وان منها
هر آینه چیزی که روان میشود از آن جویها و بدرستی که از سنگها هر آینه چیزی که شکافته میشود پس بیرون میآید از آن آب و بدرستی از آن سنگها
لما يهبط من خشية الله وما الله بغافل عما تعملون افتطمعون ان
هر آینه چیزی که فرو می افتد از ترس خدای و خدای آگاه است از آنچه میکنید شما ای حرص میدارید شما که

يؤمنوا لكم وقد كان فريق منهم يسمعون كلام الله ثم يحرفونه من
که ایمان آورند برای سخن شما و بتحقیق هست گروهی از ایشان که آنرا می شنوند سخن خدای را پس تحریف میکردند آنرا
که تورات است
بعد ما عقلوه وهم يعلمون واذا لقوا الذين آمنوا قالوا آمنا واذا خلا
پس از آنکه ضبط کردند آنرا و حال آنکه میدانند و چون ملاقات کنند آنان را که ایمان آوردند گویند ایمان آوردیم و چون خالی شوند
بعضهم الى بعض قالوا اتحدثونهم بما فتح الله عليكم ليحاجوكم
بعضی از ایشان که بعضی از ایشان گویند آیا خبر میدهید آنرا بچیزی که گشاد کرد خدای بر شما تا محاجه کنند با شما
به عند ربكم افلا تعقلون اولا يعلمون ان الله يعلم ما يسرون وما يعلنون
نزد پروردگار شما ای در نمی یابید ای نمی دانند بدرستی که خدای میداند آنچه پنهان میدارند و آنرا که آشکارا میکنند
ومنهم اميون لا يعلمون الكتاب الا اماني وان هم الا يظنون فويل
و از ایشان جمعی ناتوانند که نمی دانند تورات را مگر آرزوها و نیست جز این که گمان میبرند پس وای
للذين يكتبون الكتاب بايديهم ثم يقولون هذا من عند الله ليشتروا به ثمنا
مر آنانرا که می نویسند تورات را بدستهای خود پس میگویند این محرف از نزد خدای است تا بدل کنند بآن بهای
قليلا فويل لهم مما كتبت ايديهم وويل لهم مما يكسبون وقالوا لن تمسنا
اندک را پس وای مر ایشانرا از آنچه نبشت دستهای ایشان و وای مر ایشانرا از آنچه کسب میکنند و گفتند هرگز
نرساند ما را
النار الا اياما معدودة قل اتخذتم عند الله عهدا فلن يخلف الله عهده
آتش مگر روزی چند شمرده بگو که گرفتید شما نزد خدای عهدی را که هرگز خلاف نکند خدای وعده خود را
ام تقولون على الله ما لا تعلمون بلى من كسب سيئة واحاطت به
یا میگوئید بر خدای آنچه نمیدانید آری هر که بیندوزد بدی را و گرد در آید بدو
عشر
خطيئته فاولئك اصحاب النار هم فيها خالدون والذين آمنوا وعملوا
گناه گیرنده او پس ایشان ملازمان آتشند که ایشان در آن آتش جاودانه باشند و آنانکه ایمان آوردند و کردند
الصالحات اولئك اصحاب الجنة هم فيها خالدون واذ اخذنا ميثاق
کارهای نیکو ایشان ملازمان بهشت اند ایشان در آن بهشت جاودانه باشند و چون گرفتیم عهد